

فلسفه ملاصدرا رسالت جهانی دارد



رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع) گفت: فلسفه صدرایی فلسفه‌ای کاملاً واقع‌گرا است و به ریشه‌های انسانی توجه تام داشته و فردگرا نیست، تحلیل عالی نسبت به رابطه فرد و جامعه ارائه می‌دهد و نگاه منطقه‌ای ندارد و رسالت جهانی و بین‌المللی دارد.

رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع) گفت: فلسفه صدرایی فلسفه‌ای کاملاً واقع‌گرا است و به ریشه‌های انسانی توجه تام داشته و فردگرا نیست، تحلیل عالی نسبت به رابطه فرد و جامعه ارائه می‌دهد و نگاه منطقه‌ای ندارد و رسالت جهانی و بین‌المللی دارد.

محمدرضا محمدزاده رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) در گفت‌وگو با خبرنگار آیین و اندیشه فارس اظهار داشت: بهترین تعبیر از جریان فکری ملاصدرا حکمت است معنای حکمت با فلسفه متفاوت است شاید معنای فلسفه دوست داشتن تعقل است.

وی افزود: امروز در سایت‌های گوناگون مباحث مهمی مشاهده می‌کنید که بیشتر از آنکه انسان را در راه رسیدن به سعادت و کمال هدایت کند به مسیر سقوط و تباهی رهنمون می‌کند.

محمدزاده با بیان اینکه تعریف امروزی از تعقل به نوعی با خرد دین‌گریز پیوند خورده است، گفت: این نوع عقل خودبنیاد است و به خودش تکیه کرده و آبشخور مناسبی ندارد تا کمالات لازم را در اختیار انسان قرار دهد.

وی ادامه داد: ملاصدرا هیچ اعتقادی به عقل خود بنیاد ندارد و معتقد است که عقل اگر به حیطه خودبنیادی ورود پیدا کند به لحاظ معرفت‌شناختی به آفت شیطانی نزدیک می‌شود.

محمدزاده گفت: نمی‌توان اندیشه‌های ملاصدرا را فلسفه یا کلام دانست؛ ملاصدرا یک متفکر دین مدار است البته وابستگی به اصول دین در ملاصدرا بدون تفکر و تعقل نیست؛ ملاصدرا در رسیدن به مدعیات و گزاره‌های دینی راه تحقیق را طی کرد و بدون تأمل به آموزه‌های دینی به پذیرش آن نپرداخته است.

وی ادامه داد: عقلانیت مدنظر ملاصدرا وابستگی خود را به آبشخورهای که باید حفظ می‌کرده است را حفظ کرده و از دست نداده است این وابستگی‌ها به صورت تام در فلسفه ملاصدرا محفوظ مانده است، بهترین تعبیر در رابطه با فلسفه ملاصدرا حکمت است که در آیات قرآنی نیز به حکمت اشاره شده است.

محمدزاده گفت: همه علاقمندان به حکمت و مباحثات عقلانی اگر علاقمندند در درون جریان فکری باشند که انسان را در پیمودن مسیر کمالات یاری رساند و با رفتار درست ممزوج شود، آن جریان، حکمت متعالیه است که قادر است سر منشا تحول در علوم اجتماعی سیاسی فکر شود.

وی ادامه داد: بسیاری اندیشمندان زمانی در معرض افکار ملاصدرا قرار می‌گیرند فرضیه‌های مختلف در ذهن آنان ایجاد شده و طی چند سال گذشته همایش بین‌المللی ملاصدرا در کشور برگزار می‌شود تنوع موضوعات در این همایش آنقدر زیاد است که نشان دهنده وجه بین‌المللی تفکر است صدرایی است.

وی در پاسخ به این که فلسفه اسلامی در مقایسه با فلاسفه غربی همچون فلسفه کانت، هگل، هیوم، ویتکنشتاین، چه مزایایی دارد دارد؟ اظهار داشت: فلسفه صدرایی فلسفه کاملاً واقع‌گرا است و به ریشه‌های انسانی توجه تام داشته و فردگرا، نیست، تحلیل عالی نسبت به رابطه فرد و جامعه ارائه می‌دهد نگاه منطقه‌ای ندارد و رسالت جهانی و بین‌المللی دارد.

محمدزاده در ادامه ویژگی‌های دیگر فلسفه صدرایی را بر شمرد و گفت: جایگاه انسان در فلسفه اسلامی، متعالی است؛ انسان‌مداری الهی در این فلسفه وجود دارد و در مقایسه فلسفه صدرایی با سایر جریانی فلسفی روز و غربی متوجه خواهید شد که یک سرگردان با سایر تفکرات تفاوت اصولی دارد و نقاط قوت و ضعف آن قابل تحلیل است.

وی ادامه داد: امروز فلسفه ملاصدرا از چنان بلندیایی برخوردار است که گویی تمام جریانات فکری زیر سایه این تفکر دیده می‌شود و نقاط قوت و ضعف آنان قابل تحلیل است.

رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع) گفت: دو نوع جریان فکری فلسفی داریم؛ یک نوع جریان فکری منفعل هستند که از جریان‌های دیگر اثر پذیرفته و انسجام دهنده دیدگاه‌ها هستند و فلسفه ملاصدرا فلسفه منفعل نیست بلکه مضامین و معارف در فلسفه ملاصدرا متحول شده است و اکنون نیز حکمت صدرایی توان ایجاد فلسفه‌های مضاعف دارد.

وی در پاسخ به این پرسش که چه طور فلسفه‌های غربی به قدری کاربردی هستند که تمام مسائل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مثلاً فلسفه پراگماتیسم، تمام مناسبات سیاسی و اقتصادی و .. آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است، ولی فلسفه ملاصدرا به گونه‌ای است که مدلی ارائه نمی‌دهد، گفت: فیلسوفی که از فلسفه استفاده جزئی می‌کند بالذات فیلسوف نیست در جوامع غربی اتفاق درستی برای کشورهای غربی افتاده است این بود که شما به هر دانشی ورود کرده به سخنان بزرگان آن دانش توجه شده و به کاربردی کردن آن می‌پردازند این درحالی است که فلسفه‌های ما کلی است و باید در رشته‌های گوناگون کاربردی شود که متأسفانه این اتفاق نیفتاده است.

وی ادامه داد: اروپاییان ارتباط نزدیکی بین فیلسوفان و افکار فلسفی و سایر دانش‌هایی که متاخر هستند برقرار کردند و دانش فلسفه در آن کشورها حکم مرجع را دارند صورت گرفته است این اتفاق در کشور ما صورت نگرفته است برای کاربردی کردن علم ما باید

رشته‌های مختلف دانشگاهی را با حکمت و مبانی صدرايي دقیق آشنا کنیم.